

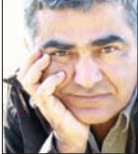


روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگوس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ -
نمابر: ۸۸۶۷۷۶۶۹
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا -
تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶

«الف» مقصوره و «ت»‌ی گرد

جعفر مدرس صادقی

و اما بعد...



هفته‌ی گذشته، از پیشنهاد ملک‌الشعرای بهار در باره‌ی «با الف نوشتن کلماتی که در عربی به یاء مقصوره نوشته می‌شود» سخن گفتیم و نیز بادی کردیم از پیشنهاد احمد بهمنیار در باره‌ی به کار بردن «ی» به جای همزای که بعد از «ه»‌ی بیان حرکت به کار می‌رود. فرهنگستان به این دو پیشنهاد اعتنایی نکرد، اما هم «الف نوشتن کلماتی که در عربی به یاء مقصوره نوشته می‌شود» به مرور ایام و بنا به ضرورت زمانه و بدون هیچ دستورالعمل و بخشنامه‌ای در بسیاری موارد جا افتاد و هم به کار بردن «ی» به جای همزای که بعد از «ه»‌ی بیان حرکت به کار می‌رود در بسیاری از کتاب‌ها و نشریات روزگار ما تبدیل شده است به یک شیوه‌ی متداول و مقبول. و به این ترتیب، می‌رسیم به قاعده‌ای که ما لای درزش نمی‌رود:

۱- «الف مقصوره»‌ی عربی هم‌جا الف:

«حتا»، نه «حتی»! «قرون وسطا»، نه «قرون وسطی»! «فتوا»، نه «فتوی»! «مضفا»، نه «مضفی»! «مولا»، نه «مولی»! «تورات»، نه «توریه»! «کبرا»، نه «کبری»! «شغرا»، نه «شغری»! «کسرا»، نه «کسری»! «هوسا»، نه «هوسی»، نه «عیسا»، نه «عیسی»!

و اما این «الف مقصوره» فقط بالای سر «ی» نیست که هست، گاهی بالای سر «و» هم قرار می‌گیرد تا نشان بدهد که این «و» را «ا» باید خواند و گاهی هم بالای سر یک حرف صامت قرار می‌گیرد تا نشان بدهد که این حرف صامت را باید با صدای «ا» به حرف صامت بعدی متصل کرد. در املا‌ی فارسی، این علامت سر و مَ‌د بریده هم‌جا تبدیل می‌شود به یک الف خوش‌قد و بالا و کشیده‌قامت: «حیات»، نه «حیو»! «زکات»، نه «زکوه»! «صلات»، نه «صلوه»! «مشکات»، نه «مشکو»! «الاهه»، نه «الپه»! «رحان»، نه «رحمن»! «اسماعیل»، نه «اسمعیل»! «ارهییم»، نه «ارهییم»!

«الف مقصوره» یکی از سه علامتی‌ست که به املا‌ی عربی تعلق مخصوص دارند و با سیاق نوشتار فارسی سخت بیگانه‌اند. هفته‌ی گذشته به این سه علامت اشاری‌ی مختصری کردیم و این هفته داریم تلاش می‌کنیم که ببینیم آیا می‌شود با استفاده از حروفِ اوایی و رعایت اصل «همخوانی» از شَرِز این علامت‌ها خلاص شد یا نه. در مورد علامت «الف مقصوره» دیدیم که شُد، هفته‌ی آینده هم به آن همزای که بعد از «ه»‌ی بیان حرکت می‌گذراند و همزه‌های دیگر برمی‌گردیم و توضیح بیشتری خواهیم داد. علامت تنوین هم می‌ماند برای بعد. اما مثال‌های بالا یک داغ دیگر را تازه می‌کند و آن هم «ت»‌ی گرد عربی با همان «ت» است که معروف است به «ت» می‌مروطه و در بسیاری موارد (همان طور که در مثال‌های بالا دیدیم) «ت» می‌نوسیم و در برخی موارد هنوز: «ت». این «ت» عربی هم به همان اندازه با سیاق نوشتار فارسی بیگانه است که آن علامت‌های سه‌گانه و به این دلیل است که ما آن را در رده‌ی علامت‌ها می‌گذاریم نه در رده‌ی حروف و می‌خواهیم ببینیم که آیا می‌شود از شَرِزِ این یکی هم خلاص شد؟

کاتبان نسخه‌های خطی فارسی، از قدیم‌الایام، تمایل زیادی نشان می‌دادند به تبدیل «ت»‌ی عربی به «ت»: «مکافات» را «مکافات» می‌نوشتند و «سیره» را «سیرت» می‌نوشتند... و ما هم این روزها «آیه‌الله» را «آیت‌الله» می‌نوسیم و «حجة الاسلام» را «حجت‌الاسلام»، فقط مانده است «ت»‌ی «دائرة المعارف» و «تصحیحة الملوك» و امثالهم که بر اساس اصل «همخوانی» و با رعایت اصل «یکدستی»، تبدیل می‌شود به «دائرةالمعارف» و «تصحیحات‌الملوک». و یکی از تضادهای دیگر رسم‌الخط متداول روزگار ما هم به این ترتیب حل می‌شود.

در نسخه‌های قرن پنجم هجری، «ت»‌ی عربی را در اکثر موارد «ت» می‌نوشتند («مضرت»، «شبهوت»، «لذت» و «روایت» و حتا «منفعت‌النش» و گاهی هم، شکل عربی را نگه می‌داشتند («جهه»، «سعاد»، «خاصیه»، در نسخه‌ی خطی «تفسیر سورآبادی» هم که در سال ۵۳۳ هجری قمری کتابت شده است، هم «ت»‌ی گرد داریم و هم «ت»‌ی کشیده («معصیه»، «عصمه»، اما «آیت» و «آیات» و «اضافت»). اما می‌دانیم که هیچ کاتبی نه در قرن پنجم و ششم هجری و نه بعدها اصل «یکدستی» را که ما این روزها این همه سگش را به سینه می‌زنیم رعایت نمی‌کرد. به هر حال، به کار بردن «ت» به جای «ه» به مرور رواج بیشتری یافت. و تمایل عمومی به ساده ساختن صورت نوشتار و راه‌ای از نشانه‌های نامأنوس خوشبختانه سبب شده است که این روزها «ت»‌ی عربی هر چه کمتر به کار رود و اگر هم در چند مورد انگشت‌شمار به جا مانده است، بر اساس رعایت اصل «یکدستی» و «همخوانی نوشتار با گفتار» فاتح‌اش را باید خواند. و به این ترتیب، یک قاعده‌ی دیگر در جهت رعایت اصل «همخوانی» و اصل «یکدستی»:

۲- «ت»‌ی عربی هم‌جا «ت»!



سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۷۱ ■ شماره ۱۴۷ دوره جدید ■ یکشنبه ۴ مهر ۱۳۸۹ ■ ۱۷ شوال ۱۴۳۱ ■ ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۰

آخر

گزارش آخر : روشنفکران متعهد به انتخاب انجمن «پن»

نویسندگانی که حقوق بشر را فراموش نمی‌کنند

«هنشور ۰۸» با تلاش‌های گوردیمر در بسیاری از کشورهای انگلیسی‌زبان منتشر شد.

■ **نوام چامسکی**

در یکی دو دهه اخیر هیچ نویسنده و روشنفکری به اندازه «نوام چامسکی» پیگیر مساله حقوق بشر برای فلسطینیان نبود. او همنای نویسندگان فلسطینی همچون محمود درویش و ادوارد سعید درباره بی‌عدالتی و زیر پا گذاشتن حقوق بشر در این سال‌ها در جنبش‌های اجتماعی و پیگیری مسائل مربوط به عدالت ثابت‌قدم‌تر هستند معرفی کرده است. از میان نام‌هایی که در این لیست آمده است برخی در چند سال گذشته درگشته‌اند، نویسندگانی همچون هارولد پینتر، ژوزه ساراماگو، سوزان سونگات و محمود درویش که نگاشتن به چهار گوشه جهان بود، از تبت تا عراق. آنها نگران مردمی بودند که عدالت درباره آنها نادیده گرفته می‌شود.

■ **نادرین گوردیمر**

نادرین گوردیمر برنده جایزه نوبل ادبی سال ۱۹۹۱ یکی از نویسندگانی است که در این سال‌ها همچنان بر تهدید نویسنده نسبت به جهان اطرافش تاکید دارد. او یکی از چهره‌های تاثیرگذار در جنبش ضدآپارتاید آفریقای جنوبی است که دلسنان‌ها و نمایشنامه‌های بسیاری با محوریت ضدآزارپرستی نوشته است اما تلاش‌های او برای برقراری عدالت تنها به کشورهای آفریقایی خلاصه نمی‌شود. او یکی از اولین چهره‌های ادبی جهان بود که نسل‌کشی در آوگاندا را در سازمان‌های بین‌المللی مطرح کرد اما

تلاش‌های او برای رعایت حقوق بشر به چین هم رسید. گوردیمر برای آزادی «لیوژیا اوپو» نویسنده چینی تلاش‌های بسیاری کرد و با واسطه قرار دادن «نلسون ماندلا» سعی کرد دولت چین را قانع کند که این نویسنده را آزاد کند. کتاب «لیوژیا اوپو» به نام

در گذر زمان: درگذشت پابلو نرودا

شاعر همه زمان‌ها

احمد پوری



«پابلو نرودا» یکی از تاثیرگذارترین و محبوب‌ترین شاعران قرن بیستم است. نه‌تنها در شعر آمریکای جنوبی، بلکه در تمام جهان می‌توان از نرودا به عنوان یکی از تاثیرگذارترین شاعران قرن بیستم نام برد. نرودا سبک شعری برای خودش نداشت و غزل می‌سود، اما «شعر نرودایی» یعنی شعر آزادپوخوانه، یعنی شعر برای میهن و یعنی نوشتن آرمان‌ها و آندیشه‌ها با جوهر شعر. نرودا شاعر همه زمان‌هاست. اگر به آمار فروش کتاب‌ها توجه کنیم، خواهیم دید که آثار نرودا ۲۴ سال پس از مرگش، همچنان مورد استقبال قرار می‌گیرند و این استقبال به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. به عنوان مثال در سال‌های اخیر کتاب‌های نرودا در میان پر فروش‌ترین کتاب‌های آمریکای شمالی قرار دارد یا برخی از کتاب‌های او در ایران بیش از چهاره بار ترجمه شده‌اند. دلیل محبوبیت نرودا صداقت و صمیمیت اوست. این صداقت و صمیمیت نردولست که از او چهره‌ای دوست‌داشتنی و محبوب ساخته و در تمام سوره‌های او صمیمیت موج می‌زند. نکته‌ای که باید درباره نرودا بگوییم، قضیه ماندن او در ایتالیاست که در مقدمه کتاب «هوا را از من بگیر خندهات را نه!» آورده‌ام. در پاییز ۱۹۵۱ پس‌لش ایتالیا رسماً پابلو نرودا را که چند ماهی بود در آن کشور به

بازتاب: در حاشیه لنو پروانه ساخت فیلم اصغر فرهادی

درود بر صداقت شمقدری

ناصر صفاریان



سرانجام موضوع از حد شایعه فراتر رفت و جواد شمقدری آن را تایید کرد. معاون سینمایی ارشاد که نمی‌دانم به کدام ضرورت، در جمع همراهان رئیس‌جمهور به نیویورک رفته، از همان جا اعلام موضع کرد و لغو پروانه ساخت فیلم «جدایی نادر از سیمین» را تایید کرد. خیلی‌هی هم صریح و با تاکید بر اینکه دلایلش همان حرف‌هایی بوده که فرهادی در شب جشن خانه سینما گفته است. این دو موضوع- از نظر قانونی- هیچ ربطی به هم ندارند و چنین عملی اصلاً به فیلمنامه ارائه شده خارج از کشور نمی‌دهد و... «صداقت» همیشه خوب است، و پروانه ساخت ارتباطی پیدا نمی‌کند. با هر نگاهی، این



سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۷۱ ■ شماره ۱۴۷ دوره جدید ■ یکشنبه ۴ مهر ۱۳۸۹ ■ ۱۷ شوال ۱۴۳۱ ■ ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۰



کشف یکی از نگاتپوهای «هراس و هوس» کوپرپک

یکی از نگاتپوهای «هراس و هوس» یکی از نخستین فیلم‌های ساخته‌شده توسط استنلی کوپرپک نابغه سینمای جهان پیدا شد.این فیلم که در سال ۱۹۵۳ توسط کوپرپک ساخته شده به معنای دقیق کلمه گم نشده بود و کوپرپک خود در آن زمان شخصاً نسخه‌های آن را جمع‌آوری کرد. اما اکنون یکی از آن نسخه‌های از قلم‌افتاده این نابغه سینما پیدا شده است. بنابر اعلام امپایر آنلاین، کوپرپک این فیلم را با بودجه اندک ۱۰ هزار دلار ساخته است و داستان آن بخش‌هایی از زندگی چهار سرباز را به تصویر می‌کشد که در یک جنگ خیالی پشت خطوط دشمن گرفتار شده‌اند. کوپرپک «هراس و هوس» را به عنوان اولین فیلم بلند داستانی‌اش در سال ۱۹۵۳ ساخت.

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۶ اذان مغرب ۱۸:۱۴ صبح فردا ۴:۲۲ طلوع آفتاب ۵:۵۶



با و من هم اجاز دارم به پرسش مهر جواب دهم و ایران آرزوهایم را ترسیم کنم؟ بر من خرده نمی‌گیرید اگر مدینه فاضله را در جمیع قلندران به رحمت خدا رفته طرح کنم و محضات این اتوبیای مولکونی را به مطایبه و شوخی بیان کنم؟ اشکالی ندارد و به مسلماتان بر نمی‌خورد؟ عیبی ندارد اگر اسب سرکش خیال را زین کنم و بی‌اعتنا به واقعیت ملال‌آور موجود، در بی‌کرانگی آسمان آرزو جولان دهم؟ آیا...

کیورچالی: ول کن اینها را چه درست گفته‌اند که «بهشت انجیاست که آزاری نباشد / کسی را با کسی کاری نباشد». واقعاً معنی این حرف را وقتی فهمیدم که به عالم باقی رحل اقامت درفکندم، زنده که بودم، یک دم نشد که بی‌مراحم زندگی کنم. همشام امر و نهی و تکی و تکی و بیا قانون هم نیست. اصولاً همه خردم‌فرمایش زیاد دارند. زن و بچه از یک سو، قوم و خویش‌ها از یک سو، ارباب و رئیس و صاحب و مالک از یک سو، همسایه از یک سو، همکار از یک سو، رفیق از یک سو... بیخود نغرموده خواجه شیراز که «از هر طرف که رفتم، جز وحشتم نغرمود»! اینجا زیادی به کار آدم کمک دارند.

امیرشاهی: سیگار نکش، قلیان نکش، با این یارو بیرون نسرود، با آن یار بیرون برو، روغن نخور، گوشت قرمز نخور، گوشت سفید نخور...

روشن ضمیر: گوشت سفید را می‌گویند بخور، اما کم بخور... میرفتاح: ما بچه که بودیم، غذا که زیاد بود، مادرم می‌گفت «نون نخور سیر میشی... و اگر غذا کم بود، می‌گفت «با نون بکش نکش برای من دارو دارند که هر دودی فرو دادم، به کدوم مادرم بکن بکن می‌گفت، بکن بکن‌های پدرم و برادر بزرگتر و خواهر بزرگ‌تر و دایی و عمو سر جای خودش محفوظ. **امیرشاهی:** آقا من اصلاً عشق داشتم که ریمار را به فال فنا بدهم. مال خودم بود و به کسی هم ربطی نداشت، اما آنقدر بکش نکش برای من دارو دارند که هر دودی فرو دادم، به کدوم زهرمار شد. آخر سر هم همه از فک و فامیل‌مان که ریه‌شان را سالم و دست‌نخورده برای کرم‌های مرده‌وزن بگه داشته بودند، زودتر نمردم. تازه، دو سه ساعتیال دیرتر هم مرد.

کیورچالی: بعد یکی دو تا هم به نیتشاند. آنقدر از هر سو امر و نهی، به ویژه نهی می‌کنند که گویی با اثاث درجه یک آدم وصلت کردند. من جاهای دیگر هم رفته بودم. آنجاها من آدم و کتکرها و روانشناس‌ها کم کن نبش نمی‌کردند، یعنی توی ملکتم ما به شکل اکسترا به کار آدم کار دارند. یعنی اگر زورشان می‌رسید به آن بخش پنهانی و یواشکی آدم هم کار داشتند، کما اینکه داشتند. به ظاهر، به باطن، به ...

موییدی: این دیار انگار زن آدم است، میشن دستور می‌دهد. زن من اصلاً فکر نمی‌کرد که من هم حداقل عقلی دارم و چیزی که به ذهن او رسیده، به ذهن من هم می‌تواند برسد. دوستم غذا بود، از آن طرف داد می‌زد «موییدی، بلند شو برو مسدود شو بخشور یا غذا بخوریم». پهلایش خدوم است خوبی بود، اما من از لج او هم که شده می‌رفتم توی دستپوشی و جرت نشسته می‌آمدم بیرون. می‌خواستم جلوی تلویزیون درست بزنم، هم می‌گفت «با شو برو سر جات بخواب، اینجاچوری گردنت می‌شکند» می‌گفتم «چون خدوم است، لدم می‌خواهد خشک بشود، چه کار به کار من داری؟» بعد هم دعوایمان می‌شد و چرت جلوی تلویزیون زهر مارم می‌شد. **روشن ضمیر:** من بدبخت که فرمان دوطبقه‌ای هستم، همین جاده رو کشی با کسی کار ندارد، پیام به همه چیز من کار دارد. هنوز هم می‌گویند «پیش رفقایبت نرو» می‌گویم «خاتم» من مرده‌ام و دو تا فکتن هم بوساندام، دیگر تو گمراه شدن من گذشته، دیگر از وقت تربیت من گذشته، دیگر بهشت و جهنم من گذشته. «با این کار دستت از سرم بر نمی‌دارد که نمی‌دارد. **میرفتاح:** عین قضیه قلیان‌ها. هنوز می‌ایند توی روزنامه و تلویزیون که نکشید، نرودید، پسته بخورید، سبزیجات بخورید، ساقه بخورید... من نمی‌دانم اینها همسایه‌اند یا وکیل افتاب و عوفه بعد از من هم همه چیز آدم کار دارند. باقی‌اقران روش شرکت مثل بهشت شمس‌الت آزاری نیست، کسی را با کسی کاری نیست.

■ **ادامه از صفحه اول**

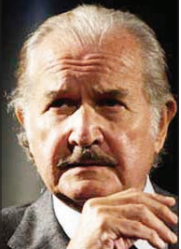
لغو مجوز به خاطر حرف‌های ناجور

محمدمهدی عسگرپور در همین رابطه خلاه قانونی را یکی از مشکلات سینما می‌داند و می‌گوید: «اگر پروانه ساخت داده نمی‌شود یا پروانه‌ای لغو می‌شود باید بدانیم به استناد کدام قانون و کدام بند و این‌نامه این اتفاق‌ها رخ می‌دهد. اما متأسفانه ما خلا قانونی داریم.» علی‌اکبری درباره اینکه چرا پروانه ساخت فیلمی که دست‌اندرکاران زیادی دارد به عنوان مجازات این مصیحت‌ها تعلیق شده است، می‌گوید: «ها با تهیه‌کننده کار داریم و تهیه‌کننده مسئول یک فیلم است و اصغر فرهادی هم تهیه‌کننده و هم کارگردان فیلم هستند و باید به هر حال پاسخگوی عملکرد خود باشند.» علی‌اکبری که نماینده وزارت ارشاد در شورای پروانه ساخت است و به جای نمایندیدن خانه سینما به همراه رسولیان در این شورا شرکت می‌کند، می‌گوید: «قay عسگرپور باید فضا را تلطیف می‌کرد.» عسگرپور در پاسخ به حرف‌های علی‌اکبری می‌گوید: «من به عنوان مسئول یک جریان صنفی حتی اگر این صحبت‌ها مربوط به جشن سینما نبود موقوف به پیگیری بودم، به خصوص که فیلم لغو مجوزشده فیلم آقای فرهادی است که برای سینمای ما افتخار آفرینی کرده‌اند»

■ **سکانش آخر**

نشت رسانه‌ای «پیام صالحی» و رونمایی آلبوم «حس»

نشت رسانه‌ای آلبوم پیام صالحی (خواننده، آهنگساز و نوازنده گروه موسیقی آریان) به منظور رونمای آلبوم حس و آلبوم موسیقی آینده این هنرمند، دوشنبه هفته جاری در پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی شرکت تصویر دنیای هنر (TDH)، پیام صالحی ستاره گروه موسیقی آریان در یک نشست رسانه‌ای ضمن معرفی اولین آلبوم مستقل خود با نام «حس» که به زودی توسط شرکت تصویر دنیای هنر ارائه خواهد شد، در خصوص این آلبوم و فعالیت‌های آینده‌اش توضیحاتی را ارائه خواهد کرد. این برنامه روز دوشنبه ۵ مهرماه ساعت ۱۰ صبح در سالن VIP پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود.



امیر پوریا

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com

amirpouria@gmail.com